

راه پوده

نشریه مابین حزب توده ایران در خلیج از کشور

جمعه ۲۷ آبان ۱۳۶۱ مطابق ۱۱ محرم ۱۴۰۲، دوره اول، سال اول، شماره ۱۴، بهار، ۱۰۰ ریال

از اهداف ضد امپریالیستی و خلقی خط امام پشتیبانی کنیم

"از جمله جمعیت هائی که این روزها دوباره شروع به نق زدن کرده است، نهضت آزادی است. آنها گفته اند که حدود ۴ سال از انقلاب گذشته، شما برای مردم چه کرده اید؟ ما پاسخ می دهیم که این ملت محروم و مستولین تلاش می کنند و رنج می برند تا ویران گری های چند ماهه و چند ساله شما را ازین ببرند..."

مطلب فوق قسمت هائی از ادعایانه بحق حجت الاسلام مهدی کزویی، سرپرست بنیاد شهید، علیه "نهضت آزادی است" که در نماز جمعه ۱۶ مهرماه ۱۳۶۱ در تهران بیان شده است. حجت الاسلام کزویی در ادامه سخنانش نمونه هائی از این "ویران گری" ها را بر میسرمد و از جمله از بنی صدر خائن نقل می کند، که با وجود اطلاع داشتن از خبر حمله وسیع و قریب الوقوع (که توسط حزب ما به اطلاع داده شده بود) به ایران، "نیروهای عراقی بدون اینکه حتی یک مین سر راهشان باشد، وارد خاک ایران شدند..." از جمله این ادعایانه می آموزد، که شرکت دادن خط راستگرایی بورژوازی لیبرال در حاکمیت خلق چه صدمات سنگینی را بر انقلاب وارد ساخته است و رهنمود تاریخی امام خمینی، رهبر انقلاب در اخراج این نیروها از حاکمیت در خدمت منافسح انقلاب بوده است.

"... مسلم است که سرمایه داری لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، می گوشت جنبش را در چهار چوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربه همه انقلابات نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه داری بقیه در صفحه ۲"

حزب ما در اسناد شانزدهمین پنلوم کمیته مرکزی خود در اسفند ۱۳۵۷ نقش بورژوازی لیبرال ایرا را، که "نهضت آزادی" یکی از سازمانهای آن بود، بعنوان نیروی ترمز کننده رشد آتی انقلاب ارزیابی کرده است و نقش دور و سازشکار و راستگرایی آن ها را پیش از هر نیروی دیگر اجتماعی - سیاسی بموقع نشان داده و افشاء کرده است. در این اسناد از جمله می خوانیم:

آقای وزیرکار! از ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی دفاع نکنید

در ملاقاتی که اعضای شورای مرکزی انجمن های اسلامی واحد های تولیدی و صنعتی تهران و حومه با آقای توکلی، وزیر کار و امور اجتماعی در ۱۹ مهرماه در تهران داشتند، نمایندگان انجمن های اسلامی "مسائل و مشکلات خود را، از جمله مسئله اخراج کارگران حزب اللهی و عضو انجمن ها، قانون کار اسلامی و نظر خواهی از کارگران و حدود وظایف انجمن های اسلامی را با وزیر کار و امور اجتماعی در میان گذاشتند" (اطلاعات ۲۰ مهر ۶۱)

همانطور که "راه توده" شماره ۹ نیز به نقل از روزنامه "ج" اسلامی (۲۱ شهریور) توضیح داده شد، برای اخراج کارگران، مدبران طاغوتی دیگر به "جرم" هواداری از حزب توده ایران و پیا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بسنده نکرد، بلکه کارگران عضو انجمن های اسلامی را نیز از کار اخراج می کنند. "جرم قانونی" برای این اخراج ها ماده ۳۳ قانون کار طاغوت است.

بهین علت نیز "اعضای شورای مرکزی انجمن های اسلامی واحد های تولیدی تهران و حومه" به ملاقات آقای وزیر میروند و "مسائل و مشکلات خود را، از جمله مسئله اخراج کارگران حزب اللهی و عضو انجمن..." را مطرح می کنند. و می طلبند، که قانون کاری تنظیم شود که "شمسیر دامکس" ماده ۳۳ را از بالای سر آنها دور کند.

آقای وزیر، همانطور که تاکنون عمل کرده است، بجای پشتیبانی از خواست بحق کارگران و اعلام لغو این ماده ضد کارگری، می گوید: "... با استقرار دادگاه انقلاب اسلامی ویژه امور کار جلوی اخراج هائی که میتوانست آثار سیاسی در واحد ها داشته باشد، گرفته شده بقیه در صفحه ۱۱"

نظری به سیر انقلاب کشور ما

رویدادهای ایران در ماه گذشته: روشنی برای مردم و خط امام روز به روز بیشتر می شود

آمریکای جنایتکار شیطان بزرگ انقلابهاست

کارداران جمهوری اسلامی داشت متذکر شد: "شایسته است که با امت اسلامی دشمن اصلی یعنی حامیان اسرائیل شیطان بزرگ امریکا را معرفی کنیم". رئیس جمهور همچنین در جای دیگر تاکید کرد: "در مبارزه با استعمار امریکایی و صهیونیسم بین الملل یک لحظه از پای نخواهیم نشست".

نخست وزیر نیز طی یک صاحبه مطبوعاتسی تاکید کرد: "نیاید از توطئه های بعدی امریکا غفلت داشته باشیم. ما باید منتظر تحریکات امریکا در کشورهای منطقه باشیم". وی از لزوم "آمادگی کامل نظامی" و "هوشیاری در برابر توطئه های امریکا" سخن گفت و متذکر شد: "باید از نظرس سیاست خارجی و روابط با کشورهای منطقه خودمان را آسیب ناپذیر کنیم تا اینکه توطئه های بقیه در صفحه ۸"

در ماه گذشته نیز امریکا به ماهه شیطان بزرگ و خطر جدی و فوری ناشی از توطئه های جنایتکارانه اش در سخنان و موضعگیریهای امام خمینی و پیروان خط امام انعکاس یافت. در روز اول مهر، روز "مرگ بر امریکا"، "مرگ بر اسرائیل" در تهران برگزار و پرچم امریکا به آتش کشیده شد.

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در پیامی که بمناسبت قتل عام مبارزین فلسطینی و لبنانی بدست اسرائیل و حامیان امریکائیش "آمریکای جنایتکار، شیطان بزرگ" را مسبب معرفی کردند، رهبر انقلاب از "نیم قرن" سلطه امریکا بر "مسلمانان جهان بخصوص منطقه" یاد کردند و "نقشه هولو توطئه" های امریکا و وابستگان او را تشریح کردند. حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور نیز بلا تکیه بر چنین مضمونی در دیداری که با سفرا و

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اهداف ضد امپریالیستی و خلقی خط امام پشیمانی کنیم

بقیه از صفحه ۱

جبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با باقی مانده های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان به کار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم، همین پدیده رشد کند. حتی پیش از پیروزی انقلاب، سرودهای بی از عدم رضایت این بخش از محتوای مترقی نظریات آیت الله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به گوش می رسید و این عدم رضایت روز به روز شدت پیدا می کند.

این جناح می گوشت انقلاب را در چارچوب رفتارند برای اعلام جمهوری، انتخاب مجلس شورا و تأمین برخی آزادی های دیمکراتیک نگهدارد و در زمینه اقتصادی همان راه فلاکت با سرمایه داری را ادامه دهد.

این بود ارزیابی حزب توده ایران از این نیروها. بورژوازی لیبرال در روزهای پس از ۲۲ بهمن از این روایت که ما خوشحالم، که اکنون نیروهای صادق پیرو خط امام با شناخت روشن و کافی از لیبرالها از افتادن به دام آنها مصون گشته اند.

اما آیا می توان از این صحبت کرد، که خطی جدیدی که انقلاب را از درون تهدید می کند نیز با همین روشنی دیده شده است؟ با نگاهی به سخنان برخی از نمایندگان برجسته خط امام می توانیم به این پرسش پاسخ مثبت بدهیم!

مطالبی که در مورد "جریان راستگرای مخالف خط امام" از زبان نمایندگان برجسته خط امام گفته شده است، از جمله ضایحه های حجت الاسلام خوئینیها قبل از سفر حج، بیان کننده این واقعیت است و نشان می دهد، که مسلمانان پیرو خط امام به درستی به حساسیت نبرد طبقاتی ای که توسط این "جریان راستگرای مخالف خط امام" علیه اهداف ضد امپریالیستی و خلقی امام افعال می شود و هدفش جلوگیری از تحقق "عدالت اجتماعی" در جمهوری اسلامی ایران به نفع زحمتکشان و محرومین و همچنین مغشوش کردن سیمای دوستان خارجی و داخلی انقلاب ایران است، پی برده اند.

حزب توده ایران و ما هواداران آن در خارج از کشور با تمام قوا و امکانات خود از این نبرد علیه "جریان راستگرای مخالف خط امام" پشتیبانی می کنیم و به وظیفه انقلابی خود، غیرم مشکلات و برخورد های غیر منصفانه، عمل کرده و خواهیم کرد.

بدون شک برخورد بدون پیش داوری مسلمانان مبارز خط امام به نظرات حزب ما، وسیله قابل اعتمادی برای آنها در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب و راههای تحقق خواسته های خلقی و ضد امپریالیستی خط امام است.

در همین روند نیز باید هشدار حزب ما در مورد مسائل جاری کشور، از جمله مسئله نامین عدالت اجتماعی، مسئله صلح شرافتمندانه و به گفته امام خمینی "انسانی و اسلامی"، در رک شود.

تجربه چند سال نشان می دهد، که نیروهای راستگرا از یک سو چوب لای چرخ انقلاب می گذارند و دست به "ویران گری" می زنند و از سوی دیگر مشکلات ناشی از کار خود را به گردن انقلاب می اندازند.

درست این خط، که اکنون دیگر بطور کامل زیر لباس "شرعی" و "اسلامی" عمل می کند، تلاش می ورزد که جلوی اجرای اصلاحات بنیادی را، از جمله اصلاحات رضی و براندازی بزرگ زمینداری و بقایای فئودالی، ملی کردن بازرگانی خارجی، توزیع تعاونی و دولتی و آزادی های قانونی... و بعبارت دیگر جلوی اجرای قانون اساسی، بسا ایرادگیری های "شرعی" خود به گیرد و می خواهد "اسلام" خود را، که اسلام و عاظم استوار است، و توکلها است، به انقلاب تحمیل کند. ابزار این اعمال قدرت آنها، حضور عناصری از آنها در دولت، مجلس و دیگر ارگانهای انقلابی است.

"انجمن" های گسترده ای که در گذشته برپا کرده اند و قبل از انقلاب "سیاست زدائی" را هدف خود قرار داده بودند، اکنون هم از "سیاست کاری و سیاست بازی" متفرند و علیه آن عمل می کنند!

آنطور که گفته می شود، در درون این "انجمن" ها سه نظر وجود دارد: اقلیتی در این "انجمن" معتقدند که باید به نمایندگان خط امام نزدیک شد و از آنها حمایت کرد. اقلیت دیگری می گوید، که نمایندگان خط امام کمونیست هستند و باید علیه آنها حتی به مبارزه مسلحانه دست زد.

نظر اکثریت غالب آن است که باید "به همین سیاست (خرابکارانه) فعلی ادامه داده شود". این سیاست چیست؟ از جمله:

- سیاست ترمز کردن انقلاب از طریق کشاندن لویح انقلابی به کمیسیونها و سوسیونیتهای مجلس با بحث های بی سرانجام چند ماهه،

- سیاست تهی کردن قانون اساسی از محتوای واقعی آن و منحرف کردن انقلاب از طریق عوض کردن جای اصول و فروع قانون اساسی. مثلا بحث درباره "نحوه فعالیت بخش خصوصی" قبل از تعیین وضع و جا افتادن بخش دولتی و تعاونی، در حالیکه قانون اساسی تصریح کرده است که بخش عمده اقتصاد کشور، بخش دولتی و تعاونی است و بخش خصوصی نقش کمکی و فرعی و جنبی دارد.

- تحمیل راههای غیراصولی مبارزه با احتکار و محتکرین و "تروریست های اقتصادی"، از جمله آزاد گذاشتن ریشه های احتکار و تبلیغ علیه توزیع دولتی و شکستن کاسه و کوزه ها بر سر شاخه های احتکار، یعنی دستفروشان کنسار خیابان، که در حقیقت مستضعفین بیکارند.

- سیاست جلوگیری از ایجاد امنیت قانونی در کشور، از طریق خودسری ها و تحمیل خواسته های خودشان "بر اساس سلیقه شخصی و طرز فکر های فردی یا گروهی خود" (روزنامه ج. اسلامی

۳۱ شهریور)، چه در وزارتخانه ها و چه در مسائل قضائی.

- سیاست مغشوش کردن تفاوت دوستان و دشمنان و انقلاب، از طریق دامن زدن به "جوسو" ظن و عدم اعتماد "علیه دوستان خارجی انقلاب، چه در بین جنبش های رهایی بخش و ضد امپریالیست و چه در بین کشورهای سوسیالیستی و چه در بین ایران و همسایگانش، بویژه بین ایران و اتحاد شوروی، که خواست مشخص برزیسنسکی، مشاور امنیتی کارتر، است.

در این تردید نیست، که بخشی از این "برخورد ها"، همان طور که در مقاله روزنامه ج. اسلامی ۳۱ شهریور، تحت همین عنوان هم آمده است، "این طور نیست که قصد خیانتی داشته باشند"، ولی نیروهای با حسن نیت "بدون ذره ای تردید فرسده های بزرگ و لطمه های سنگینی به ارکان یا نهادی که در آن کار می کنند و یا به کل نظام وارد می آورند...". این نکته درستی که روزنامه ج. اسلامی تذکر می دهد، متأسفانه تنها خطر این خط غالب در این "انجمن" ها، نیست! خطر عمده تر آن است که این شیوه و "برخورد ها"، تا آنجا که توسط "نیروهای با حسن نیت" اجرا می شود، پرده استتاری شده است، که مناصراً آگاه دشمن و کشمیری ها و کلاهی ها و قطب زاده ها و بنی صدر های شناخته نشده، خود را پشت آن مخفی کنند و به "ویران گری" های خود با خیال راحت ادامه دهند و بتوانند در تلاش برای ادامه دادن "سیاست (خرابکارانه) فعلی" موفق باشند.

شایان توجه است، که این "ادامه دادن سیاست (خرابکارانه) فعلی اعمال" می شود، برنامه امپریالیسم جهانی نیز هست! در این مورد مطالبی که خبرنگار برنامه دوم تلویزیون آلمان غربی، پتر شولتور، در ۱۰ اکتبر ۸۲ از این تلویزیون پخش کرد، افشاء کننده است آقای پتر شولتور در برنامه نزدیک به یک ساعته خود، که در مورد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود، و نظریه را مطرح ساخت، که در انطباق کامل با نظر و عمل "انجمن" ها و "جریان راستگرای مخالف خط امام" است!

برای روشن شدن مطلب این دو نکته را توضیح می دهیم:

نکته اول مربوط به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. به نظر پتر شولتور، شکست عراق در جنگ مساوی است با مرگ این رژیم و اضافه می کند، که اگر ضدام حسین سقوط کند و حزب بعثت او متلاشی گردد، دیگر جلوی گسترش انقلاب ایران را نمی توان گرفت و انقلاب به کشورهای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان، که در آنها امیران و حکام و خانواده های سلطنتی با نفرت و اکراه عمومی رویرو هستند، نیز سرایت خواهد کرد، و نتیجه می گیرد، که این خطر سبب شده که ایالات متحده آمریکا با تمام امکانات خود از سقوط دولت ضدام، که تا جندی پیش هم پیمان مسکو بود، جلوگیری کند.

وی در مورد ایران معتقد است، که عدم پیروزی

انقلاب پرتغال زنده است

تضاد میان حاکمیت سیاسی و ساختار اجتماعی در پرتغال از ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ باینسوی ههچگاه تا بدین حد حاد نبوده است.

زیر بنای اجتماعی به چپ جابجا شده در حالی که نیروهای اقلیت که اهرمهای عمده قدرت سیاسی را در دست دارند چهار نعل بسوی راست افراطی می‌تازند.

باصلاح اتحاد د مکراتیک مرکب از حزب سوسیال د مکرات و مرکز سوسیال د مکرات و حزب کوچک سلطنت طلب ملی طی ماههای گذشته هوبرانگری خود را همچنان ادامه داد. کسری موازنه پرداخت امسال به ۲ میلیارد دلار خواهد رسید.

میزان تورم بالاتر از تمام کشورهای اروپائی است و موافق پیش بینی ها از ۲۵ درصد هم تجاوز خواهد کرد. دیون خارجی کشور بیش از ۱۱ میلیارد دلار است که اگر به نسبت جمعیت در نظر گرفته شود هپرتغال پس از اسرائیل و شیلی جسای سوم را در سراسر جهان احراز میکند.

شرایط زندگی اهالی روز بروز بدتر میشود. تولیدات صنعتی و کشاورزی در حالت توقف و یا پس رفتن است. قیمت ها با آهنگ سریع رشد میکنند. آزادیهایی پیوسته با محدودیت ها و اعمال خلاف قانون بیشتر مواجه میشود. تضییقات و تحریکات آشکارا مخالف تضمینهایی که در قانون اساسی وجود دارد روز به روز بیشتر میشود. سیاست خارجی کشور در خدمت منافع امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا طرح ریزی و هدایت میشود.

هجوم برای نابودی اصلاحات ارضی پس از انقلاب آوریل همچنان ادامه دارد. دولت واری دادگاه عالی اداری مبنی بر بازگرداندن زمینها و اموالی که به طور غیر قانونی و بزور از تعاونیهای دهقانی گرفته شده است را نادیده میگیرد. نیکبار هوزیسر کشور ونیروهای مسلح را برای پشتیبانی از باند هک که ملاکان سابق علیه اصلاحات ارضی مسلح و روان می کنند مورد استفاده قرار داده است.

است این تجدید نظر را رد کند اما او فعلا از این حق خود استفاده نکرد. در عین حال اتحاد د مکراتیک دارد تدارک میبیند که باز به کمک حزب سوسیالیست قوانینی را برای دفاع ملی ونیروهای مسلح از مجمع جمهوری بدهد راند که تحقق نقشه های کودتا را تسهیل خواهد کرد. شورای عالی قضائی که زیر کنترل اتحاد د مکراتیک است جانشین شورای انقلاب حذف شده و برای کنترل مطابقت قوانین با قانون اساسی کشور گردیده است.

حزب سوسیالیست پرتغال نقش عمده را در جهت بدتر شدن وضع عمومی ایفا کرد. بطوریکه روزنامه اشپرتو متعلق به ماریو سوارش دبیر کل حزب سوسیالیست پرتغال و ارگان بورژوازی بزرگ اعتراف

ولی هزاران تن از زحمتکشان عضو حزب سوسیالیست همراه با رفقای کمونیست خود در مبارزات بزرگ جنبش خلقی در سال جاری شرکت کردند.

بی اعتبار شدن حزب سوسیالیست و همچنین جدا شدن صد ها هزار انتخاب کننده از اقشار متوسط که فریب سخنان عوام فریبانه ساکارینو نخستوزیر مرد و پیشین را خورد بودند از اتحاد د مکراتیک باعث پیدا ایش یک خلاشه است که تجزیه و تحلیل سیاسی و اجتماعی آن بسیار دشوار است. بخش قابل ملاحظه ای از انتخاب کنندگان هنوز گرایش خود را بسوی هیچیک از احزاب موجود معین نکردند. اتحاد د مکراتیک و حزب سوسیالیست دیگر پاسخگوی تمایلات قسمت بزرگی از انتخاب کنندگان پرتغالی از قشرهای متوسط و خرد و بورژوازی دهقانان و حتی زحمتکشان نیستند. زحمتکشانی که نمیتوان آنانرا با کمونیستها یکسان گرفت و چه بسا موضع گیریشان تفاوت جدی با موضع گیری های حزب کمونیست دارد اما خود را مدافع آزادیها و نهاد های د مکراتیک



آنجا که کونیا د پیرا ول حزب کمونیست پرتغال حضور میابد، با استقبال پرشور و همبستگی برادرانه زحمتکشان روبهرو میشود.

برخی از این زمینداران هاز نو تسلط خود را برقرار کرده و هزاران هکتار زمین را بتصرف خود درآورده اند. بارها اتفاق افتاده است که ملاکان و باند ها - نشان پیروزی خویش بر تعاونیها را با ادرار کردن بر زیتون و دیگر محصولات دهقانان جشن گرفتند. روزنامه دیاریو هعملت پرد برداشتن از این اعمال اوباشانه بارها توسط دولت کونی به دادگاه حاضر شده است.

نیروهای راست با کمک حزب سوسیالیست موفق شدند قانون تجدید نظر در قانون اساسی را از مجمع جمهوری (مجلس پرتغال) بگذرانند که تغییرات عمده ای در قدرت سیاسی وارد میکند. این تجدید نظر ه اختیارات ریاست جمهوری را بقدر قابل ملاحظه ای محدود کرد. و صلاحیت تعیین فرماندهان ارتش را به دولت واگذر نمود. این بعنوان هک ارک آشکاری برای کودتا علیه رژیم د مکراتیک ارزیابی شده است. رئیس جمهور میتواند با استفا از اختیاراتی که قانون اساسی برای او در نظر گرفته

کرد ه حزب سوسیالیست ماریو سوارش ه همانند یک " متحد بزرگ " اتحاد د مکراتیک عمل میکند. با وارد شدن در چنین توافقهایی با ارتجاع که امکان تحقق تجدید نظر در قانون اساسی را به آن داد ه ماریو سوارش و گروه او علنا مقابل رژیم د مکراتیک قد علم کردند. در چشم زحمتکشان پرتغال این رهبر حزب سوسیالیست دیگر یک سیاستمدار دست راستی است.

خیانت رهبران حزب سوسیالیست ه تجدید نظر در مسئله اتحاد ها را موضوع عمده کرده است. با وجود رهبری کونی و جهت گیری ماریو سوارش برای دفاع از د مکراسی که با خطر کودتای دست راستی مواجه گردیده است دیگر نمیتوان روی حزب سوسیالیست حساب کرد. لازم به تاکید است که اکثریت عظیم اعضای حزب سوسیالیست جهت گیری سوارش را تأیید نمیکنند. اما تضییقاتی که در د مکرادرون حزبی آنها ایجاد شده ه باعضای معمولی امکان نمیدهد که بطور موثر با تسلیم طلبی رهبری کونی مبارزه کنند و آنرا تغییر دهند.

اعلام میکنند. در این شرایط ه وضع عینی مطلوبی برای پایه گذاری احزاب تازه د مکراتیک در پرتغال پیدا شده است.

در سال جاری مبارزه طبقاتی در پرتغال بطور قابل ملاحظه ای پرداخته شده است. تضاد قوی نبود که در دسیسون بزرگترین راه پیمائی اول ماه مه در مقیاس باصلاح جهان غرب برپا گردید. یک اعتصاب عمومی در قوریه "بام دستمزدها" را که دولت اتحاد د مکراتیک میخواست تحمیل کند بطور قاطع منجر نمود. اعتصاب عمومی دوم ه در آستانه اول ماه مه در شهر پورتو که منجر به کشته شدن دو کارگر گردید نقش خطاری جدی را ایفا کرد و نشان داد که دنیای زحمت راه افراطیون راست را سد خوا عنکرد هر دو اعتصاب سیاسی بود و شعار اصلی آنها خواست استعفای دولت باصلاح اتحاد د مکراتیک یکی از شگفتی هائی که عمیقا روی انسان تاثیر میگذارد اینست که در این کشور اروپائی که دولتش تابع امپریالیسم است و نیروهای دست راستی اش بقیه در صفحه ۱۲

آقای کیومرث صابری! "اگر راست میگویند، قانون اساسی را اجرا کنید!"

آقای کیومرث صابری، نویسنده سلسله "یادداشت‌های سفر شوروی" در روزنامه اطلاعات (۱۱ مهر ۶۱)، در مقاله ای تحت عنوان "اگر راست می گویند از میگ ۲۰۰۲۵ دفاع کنید" به نامه ای به امضای "ب. کوهیار" پاسخ می دهد.

وی پس از اعلام دریافت نامه نویسنده ناشناس (۱)، در ادامه سخنانش از آقای کوهیار انتقاد می کند، که چرا "زیر نقاب نام مستعار (اگر چنین باشد) مخفی شده است و نامه بدون "نشانی" ارسال کرده است. وی می نویسد:

"نامه های زیادی در موافقت و مخالفت با آن یادداشتها بدست من رسیده است. سوال برانگیز این نکته است که چرا همه مخالفان، در زیر نقاب نام مستعار پنهانند و نشانی ندارند؟"

راستی آقای صابری شما تا این حد از اوضاع کشور بی خبر هستید و

— نمی دانید که روزنامه "نامه مردم"، ارگان حزب توده ایران نزدیک به دو سال است که بدون هیچ گونه دلیلی توقیف شده است؟

— آیا نمی دانید که دفتر مرکزی این حزب و دفتر دیگر آن توسط "عناصر غیر مسئول" قانون شکنانه اشغال شده اند؟

— آیا نمی دانید که ضد انقلاب که از "زن بسی دفاع" و "سبزی فروش" هم نمی گذرد، برای یافتن اسم و آدرس دگراندیشان موافق انقلاب له له می زند؟

— آیا واقعا از این بی خبر هستید، که کسبیری‌ها، مطبوعاتی و غیر مطبوعاتی، که لایبای عناصر صادق ارگانها و نهادها مخفی شده اند، در حسرت آن هستند، که "منتقدین" با اسم و آدرس نامه به نویسند؟

— آیا از جمع آوری آدرس توده‌های و فدائی‌های اکثریت برای "روز مبادا"، آنطور که گفته می شود، بی خبرید؟

— آیا نمی دانید که عده ای از هواداران جمهوری اسلامی ایران، یعنی توده ای‌ها و اکثریتی‌ها، که نه تنها محارب اسلحه به دست نیستند، بلکه اسلحه به دست در جبهه های جنگ در برابر عوامل امپریالیسم و مزدوران آن از جمهوری اسلامی دفاع می کنند و جان می بازند و به این کار خود افتخار می کنند، فقط به علت این که دگراندیش هستند، ماههاست که در "فراموش خانه" "بنلا" تکلیف" کم شده اند؟

— آیا اطلاع ندارید، که جنازه این شهدا را در گورستانهای دور افتاده و در کنار ضد انقلاب به خاک میسپارند؟

بنظر میرسد، که از این جریانها بی اطلاع هستید، اینک برای اطلاعاتن قسمتهایی از نامه پدر شهید عبدالکریم حیاتی را به ریاست دادگاه انقلاب اسلامی ماهشهر، که اتفاقا امضا هم دارد، برایتان میاورم "محترما به اطلاع می‌رساند که فرزند اینجانب

حیاتی، در تاریخ ۶۱/۲/۲۴ در محور اهلواز-خرمشهر به وسیله ترکش خمپاره مزدوران عراقی به درجه رفیع شهادت نایل گردید. در تاریخ ۶۱/۲/۲۷ جسد آن شهید را به هند بجان

آورده و در نهایت بی احترامی به حق شهید و بی اعتنایی به اخلاق اسلامی، فردی را کسبه صادقانه در راه دفاع از انقلاب اسلامی مردم ایران جان خود را در طبق اینار نهاده، در گورستان دور افتاده‌ای، در کنار کسانی که در ضد انقلاب بوده و اعدام شده‌اند، به خاک سپردند و از آن پس نیز از هیچ کوششی در جهت جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری برای آن شهید خودداری نکردند. اکنون من پدر آن شهیدم، دردمند و سوگوار، متحیر و سردرگرم، فرو مانده‌ام که این چه ظلمی است که به ما روا می‌دارند؟ ما به داد خواهی به کجا پناه ببریم؟ آیا آخر و عاقبت جانبازی و پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی باید این باشد؟

پسر من در جنگ حق علیه باطل شهید شد. فرزند من داوطلبانه در جنگ شرکت کرد. این ظلم در مورد کسی اعمال شده است، که در وصیت نامه اش به پدر و مادر و دوستانش نوشته است: "من به خاطر رهائی مبین از قید امپریالیست‌ها به جبهه رتم، برای من گریه نکنید، زیرا که شهادت در راه مردم گریه ندارد."

من به دستور کمیته مرکزی حزب، حزب توده ایران، همانند هزاران توده‌های و مبارز مسلمان به جبهه رتم، تا در راه رهائی زحمتکشان بکوشم."

— آیا بی اطلاع هستید از وصیت نامه رفیق شهید عبدالهاشم پور اسفغانی، که در وصیت نامه اش می نویسد "باید دستور حزب را اجرا کرد. من مین یابی را انتخاب کرده‌ام، که همیشه در صف جلو با شوم. آخر من توده ای هستم."

او نوشت "من از همین جا اعلام می‌کنم، که اگر شهید شوم، شهید حزب توده ایران، یکی از سربازان این حزب هستم و تا آخرین دقیقه به آرمان مقدس حزب وفادار بوده و هستم و می‌دانم بعد از شهادت من جریاناتی پیش می‌آید و

دشمنان حزب و تعامی ضد انقلابیون، از عمال آمریکا گرفته تا بیکاری‌ها و غیره و حجتیه‌های و عوامل ساواک و شاه و عده‌های نیز ناآگاهانه آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزند و تبلیغات راه می‌اندازند و حدس می‌زنم دشمنان حزب جنازه مرا شاید به قبرستان نکلانند و یا اینکه از شرکت هواداران و دوستان حزب در مراسم تشییع جنازه من مانع ایجاد کنند، ولی مهم نیست، مهم این است، که مرگ من چه تاثیری در زندگی دیگران داشته باشد."

آقای صابری! اینها همان کسانی هستند، که شما از آنها می‌پرسید "آیا میتوانی فقط ذره‌ای از علاقه تان را — فقط ذره‌ای — از یک کشور خارجی بکاهد و تقدیم محرومان جامعه تان، که زیر بمباران میگها شهید شدند، بکنید؟"

به قول رفیق کیانوری "ما به جای شما خجالت میکشیم!"

خیر آقای صابری!

شما تا زمانی که برای تحقق آزادی‌های دمکراتیک قانونی پافشاری نکنید و برای اجرای صحیح و دقیق این قانون مرد و مردانه به میدان نیایید

و از آن دفاع نکنید و آنرا بکری نشانید، نباید از دگراندیشان توقع داشته باشید، که بیایند و اسم و آدرس خود را در اختیار تان قرار دهند!

آقای صابری شما از نویسنده نامه می‌پرسید "اگر راست میگویند از میگ ۲۵ و ۷۲ دفاع کنید!" باید از شما خواست "اگر راست میگویند..."

قانون اساسی را اجرا کنید و به آرای ۹۹٪ مردمی که به این قانون رای داده اند احترام بگذارید! دفاع از میگ ۲۵ وظیفه ما نیست، ولی دفاع از قانون اساسی و اجرای آن وظیفه شما هست!

آقای کیومرث صابری! جلوی قانون شکنی را بگیرد و اجازه بدهید طبق قانون اساسی احزاب و گروههای سیاسی غیر محارب با داشتن روزنامه خود نظرات خودشان را با مردم در میان بگذارند. آنوقت مطمئن باشید که شما دیگر نامه با نام مستعار (البته اگر چنین بوده) و یا نامه بدون آدرس دریافت نخواخید کرد!

اما این نکته را هم نباید فراموش کرد، که آقای صابری بی لطفی می‌کنند، وقتی مدعی می‌شوند، که "منتقدین" زیر نقاب نام مستعار پنهانند و نشانی ندارند!"

ایشان ند به "نامه های زیادی در موافقت و مخالفت با آن سلسله یادداشتها (یادداشتهای سفر شوروی) پاسخ می دهند و جز جمله با دست یازنه نامه انتقادی "ب. کوهیار" پس چرا به مطالب با نام و آدرس رفیق کیانوری در پرسش و پاسخ ۲۳ مرداد هنوز پاسخی نداده‌اند!

برای تجدید خاطره لازم به توضیح است، که رفیق کیانوری در این پرسش و پاسخ از تلاش آقای صابری برای این که "ثابت کند که در شوروی آزادی نیست صحبت می‌کند و می‌گوید "ولی واقعیات چنان نیرومند است، که علی رغم این تلاش آگاهانه آقای صابری"، خود را نشان می‌دهد.

داستان از این قرار است: که آقای صابری می‌نویسد: "با هیئت نمایندگی ایران به مسجد سلیمان در لنینگراد رتم. عده زیادی از مسلمانان در آنجا جمع بودند. در این مسجد سفیر ایران در باره انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی و تاثیر انقلاب اسلامی ایران در منطقه صحبت کرد. بعد اعضای هیئت نمایندگی ایران صحبت‌هایی با امام جمعه مسجد داشتند، که خیلی صادقانه و دوستانه بود. بعد هم اعضای هیئت نمایندگی ایران عکس‌های امام خمینی را به طور وسیع میان مسلمانانی که حضور داشتند، پخش کردند و آنها با چه ذوق و شوقی این عکس‌ها را گرفتند، بعد هم ایستادند با هیئت نمایندگی ایران عکس انداختند و هیئت نمایندگی ایران هم این عکس‌ها را آورد و در روزنامه های رسمی ایران چاپ کرد."

رفیق کیانوری در ضمن مقایسه آزادی در جمهوری اسلامی ایران و شوروی و این که آیا تصور اینس ممکن می‌بود که مارکسیست‌ها در تهران کلسوپ می‌داشتند و همین جلسه لنینگراد را در تهران برگزار می‌کردند، به آقای صابری انتقاد می‌کند، بقیه در صفحه ۵

آقای کیومرث صابری! اگر راست میگویید، قانون اساسی را اجرا کنید!

بقیه از صفحه ۴

که "ضمنا من مطمئن هستم، که اگر هیئت نمایندگی شوروی می آمد و در جلسه مارکسیست های ایرانی در کلوپ آنها در تهران شرکت می کرد و درباره سوسیالیسم و مارکسیسم صحبت میکرد و عکس لنین را پخش می کرد، حتما پشت عکس لنین به انگلیسی نوشته بودند، لااقل به زبان فارسی می نوشتند." زیرا "آنها برای خود و برای مردمی که با آنها نسبتا دوستانه دارند، این قدر احترام قائلند، که پشت عکس لنین را به زبان مردمی که برایشان عکس پخش می کردند، می نوشتند. پشت عکس امام

خمینی را لااقل به زبان فارسی به نویسید، نه به زبان انگلیسی! آمریکا زدگی و انگلیسی زدگی شما تا این حد است. ما به جای شما خجالت می کشیم." آیا آقای صابری به این انتقاد با نام و نشان پاسخ می دهند که بدهند و یا داده اند؟ ما که هنوز ندیده ایم!

یک سوال دیگر هم ما از ایشان داریم و مایلیم خاطر نشان سازیم که آدرس دفتر روزنامه ما درج شده است. البته ایشان باید به پخشند، که ما هم

از ارائه نام و آدرس شخصی خود معذوریم! سوال ما این است، که شما که خود را "مؤافسق شوروی" نمی دانید، شما که خود را "مؤافسق ایران" می دانید و سعی کرده اید تا "دوستی با یک کشور خارجی، بینائی چشمها تان را از شما نگیرد"، چرا سولاتان را از آقای کوهیاری کنید؟ مگر آقای کوهیاری وزیر دفاع، وزیر خارجه یا رئیس دولت شوروی است؟ شما اگر راست می گوئید "و واقعا میل دارید مسئله برای تان روشن شود، اگر هدف تان آن نیست، که بقول امام خمینی، رهبر انقلاب "شوروی را مطرح کنید تا آمریکا منسی" شود، "چرا درباره میگ ۲۵ و تانک ت ۷۲" از سفیر اتحاد شوروی، که در تهران دم دستتان است، سوال نمی کنید؟

و یا سفیر جمهوری اسلامی ایران را در مشکو به وزارت امور خارجه اتحاد شوروی نمی فرستید و از آنها سوال نمی کنید؟

چرا این سوال را، اگر نمی خواهید از شوروی مستقیما بکنید، از طریق حافظ اسد، که دست جمهوری اسلامی ایران است، هما نظور که حجت الاسلام رفسنجانی در هفته های اول جنگ تحمیلی عراق در جریان سفرش به سوریه در مورد به اصطلاح ارسال اسلحه از شوروی به عراق کرد، نمی کنید؟

چرا این راههای ممکن را، که به رویتان باز هستند بکار نمی گیرید؟ و سراغ آقای کوهیاری میروید؟ آیا جز این است که شما، آگاهانه و یا ناآگاهانه، با طرح اینگونه سوال ها در برابر افراد که نه سر پیاز هستند و نه ته پیاز و طبیعتا نمی توانند از اسرار نظامی اتحاد شوروی که سهل است، از اسرار نظامی کشور خود نیز اطلاعی داشته باشند، که نباید هم داشته باشند، یک هدف تبلیغاتی مشخص را دنبال می کنید و آن "ایجاد جو سوؤظن و عدم اعتماد بین ایران و همسایگانش" (نامه برژینسکی به ونس) و دامن زدن به این جو ناسالم و خطرناک برای حیات انقلاب ایران است!

آقای صابری این خط، خط برژینسکی است! اگر آنرا نمی شناسید و ناآگاهانه به این دام افتادید، به این وسیله توجه شما را به آن سوق می دهیم!

امام مطمئن باشید، همانطور که ما در مقاله "آوایشی گری مطبوعاتی" در "راه توده" شماره ۱۲ نیز ذکر کردیم، "مردم با شم طبقاتی و انقلابی خود" خط برژینسکی را، چه آگاهانه دنبال شود و چه نا آگاهانه، خوب تشخیص میدهند!

دست زده سینه «اسلام توکلی»

بقیه از صفحه ۱۱
غیر قانونی اعلام کردن سندیکاها و شوراهای و سازمانهای لایحه هائی این چنانی، که نه تنها درد کارگران را دوا نکرده اند، نه تنها گامی در جهت رفع بیکاری میلیونها نفر کارگران بیکار برنداشته اند، بلکه با جانبداری از منافع "سرمایه داران صالح" و صاحبان "سرمایه های حلال" رودرویی نظریات خود را با اهداف خلقی خط امام نشان داده اند.

ایشان نه تنها دردی از درد های انقلاب دوا نکرده اند، بلکه هر بار به نوعی بر مشکلات آن هم افزوده اند.

افتخارات حزب توده ایران

بعد از شاه، ساواکی ها، قطب زاده ها، بنی صدرها و مائوئیست های رنگارنگ دیگر، معروف به تریچه های پوک، اینک کاظم شریعتمداری نیز در ندامت نامه خود، که به حجت الاسلام ری شهری نوشته است، با گذاشتن حزب توده ایران در کنار مسعود رجوی، رضا نیم پهلوی، بنی صدر، کومله و غیره حزب توده ایران را "محکوم" کرده است!
فکرمی کنید شریعتمداری خائن این کار را به عنوان سخنگوی ساواک انجام می دهد

حزب رستاخیز ملت ایران

جناب آقای محمداق بزرگوار
دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران

در اجرای دستور آنتخاب روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ به شهر قم حرکت وطن فرارظرفونی، فیلی ساعت ۱۶/۳۰ با حضور ۲۰ تن از شریعتمداری بفرغ خصوصی ملاقات کردم. نتیجه مذاکرات شرح زیر گزارش میشود.

بیانات آقای شریعتمداری

۱- ماجراجویی که پشت پرده تظاهرات روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ و نظایر آنرا ترتیب میدهد بیشتر از آنچه بنا استقلال و رژیم ما مخالف هستند. با عالم روحانیت و دیانت محالمت دارند و حتی حیات بینوایان مذهبی را تهدید میکنند. از اینرو اقدام برای برکناری کردن محرکین عاملین پشت پرده این تظاهرات از جهت سنگینی و از جهت دیانتی ضرورت دارد.

۲- در گذشته از هر چندگاه از طرف دولت کسانی با ایشان ملاقات و درباره مسائل عمومی مشاوره می کردند. همین امر از بروز حوادثی از آن قبیل که در ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ اتفاق افتاد پیشگیری میکرد. از اینک چنین ملاقات و مشاورهائی اخیراً دست نمیدهد اینرا تا صف میکردند و ضرورت این مشاورهها تاکید میفرمودند.

۳- در بحثهای صورت گرفته روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ و انتشار مقاله ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ روزنامه اطلاعات و دیدن آن و روزنامه رستاخیز درباره آقای خمینی همانند و متفقد هستند که انتشار چنین مطالبی به هیچوجه صلحت نمودمانند زیرا که اولاً امروزه که دانش فراوانی سیرده میشود و مردم گرد. ثانیاً "بها"ی پشت مخالفین مملکت برای هر یک احساسات افراد مذهبی متصم مذاد.

۴- در جهان واقعه را بدینگونه شرح میدادند که پس از انتشار این مقاله در مجالس و مجالس مختلف مذهبی و حوزههای علمی قم سخنانی اعتراضی امیر ابراهیم و مخاد این ملاقات توهمین به عالم روحانیت و اسلام معرفی میگردد به مدار ظهور روز ۲۶/۱۰/۱۹۷۹ در حوزه درس بی از روحانیتون قم به نام (توری) مطالبی در همان زمینه اظهارشده که موجب تحریک احساسات گردید.

پس از خادمدرس وقتی طلاب دسته جمعی مراجعت میکردند گفتگوی اعتراضی امیر آبان موجب تجمع مردم و تظاهرات شده است. چون مسرتان از مطالب محل حزب بوده با توجه با اینکه روزنامه رستاخیز هم مطالب اطلاعات

رویدادهای ایران در ماه گذشته

بقیه از صفحه ۱

امریکا خنثی شود . . .

مصطفی تبریزی نماینده مجلس شورای اسلامی نیز در مصاحبه‌های متذکر شد: "خطر اصلی، خطر غرب و در رأس آن امریکاست."

محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران هم هشدار داد: "امریکا و اسرائیل در تدارک توطئه جدیدی علیه ما در جنوب هستند." (۲۱ مهر ۶۱)

دولت باید توده‌های محروم مردم را مقدم بنماید

مردم و منافق آنان به مثابه محور تمامی اقدامات بار دیگر در سخنان و موضعگیریهای امام خمینی و مسئولین پیرو خط امام جایی روشن داشتند. امام خمینی در ۲۸ شهریور تأکید کردند: "دولت باید توده‌های محروم مردم را مقدم بدارد و نفرهایی که مشغول بکارند را تشویق کند . . . همیشه ما باید برای خدمت به توده‌هایی که در طول تاریخ همیشه محروم بوده‌اند کوشش کنیم." رهبر انقلاب در جای دیگری گفتند: "یک عده بسیاری از مردم خوب هستند و آن توده‌های مردم است . . . توده‌های مردم، توده‌های ضعیف مردم، هم خوب هستند، کمتر در توشان آن فسادها پیدامی - شود . . ." (۲۹ مهر ۱۳۶۱) رهبر انقلاب چندی بعد نیز با تأکید بر اینکه "مردم همیشه در ظلم و ستم بوده‌اند" اظهار امیدواری می‌کنند تا به این مردم خدمت شود. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس نیز در دیدار با جمعی از مردم مستضعف استان ایلام و آقاجاری گفت: "حضور سیاسی افراد مؤمن و توفنده در صحنه انقلاب، این نبود را میدهد که ما در آینده جامعه اسلامی و مطلوب پیغمبر خواهیم داشت و مسأله امیدواریم در آرزوی بجای مترفین و مسرفین و در کنار آن طبقه محروم، جامعه‌ای خالی از استکبار و استضعاف داشته باشیم." وی تأکید کرد: "ما از شما میخواهیم که خودتان را برای یک حرکت سیاسی - عقیدتی، اجتماعی، اقتصادی آماده کنید تا بتوانیم در جامعه‌ای بدون ظلم و تبعیض، بدون استثمار و زورگویی و بدون بی‌سواد و مریض و گرفتار و محروم زندگی کنیم." رئیس‌جمهور هم در این مورد گفت: "ما که امروز مسئول جامعه هستیم این را باید بدانیم و انشاءالله عمل کنیم که با مردم بعنوان یک مسئول و انسانی که با سنگینی مسئولیت را بعهده گرفته است مقابل شویم نه بعنوان کسانی که بر سر مردم منتهی داریم و یا خود را بالاتر و برتر می‌دانیم . . ." وی گفت: "خدای انقلاب ما را برآورده کند." رئیس‌جمهور در جای دیگر تأکید می‌کند: "توده‌های مردم ارتش عظیم انقلابیست و روش ما حمایت از محرومان و مستضعفان چه در ایران و چه در سراسر جهان است."

اصلاحات ارضی: دورنمایی امیدبخش

در مسئله مهم و گرهی اصلاحات ارضی ایران انقلابی شاهد اخبار و موضعگیریهای جدید تری بودیم. حجت الاسلام فاضل هرندی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در ۲۱ شهریور ۱۳۶۱ خبر از پایان کار بررسی لایحه اصلاحات ارضی داد. وی تأکید کرد طبق این لایحه سه زمین را به کسی می‌دهیم که ساکن روستا باشد و شغلش کشاورزی باشد، خود شربخواهد کشاورزی کند نه اینکه کشاورز بگیرد. منبع درآمد دیگسری نداشته باشد. وی گفت: "اگر زمین از راه غیر مشروع و مشکوک بود قهراً صادره می‌شود و دولت بر آن مدیریت دارد." رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس با اشاره به ماده‌ای که در لایحه در مورد اراضی مکانیزه وجود دارد گفت: "باید تمام کارهایی که در کشاورزی لازم است با ماشین آلات صورت بگیرد." سخنان وی نشان‌دهنده تغییراتی چند در جهت مثبت در لایحه اصلاحات ارضی است. گرچه هنوز تا تصویب قطعی و اجرای نهایی راهی طولانی و پرنشیب و فراز مانده است. حجت الاسلام هرندی با تأکید بر نقش انقلابی هیئت‌های هفت نفره گفت: "شما هر طور (نهادهای انقلابی) را تفسیر کنید، اگر هیئتهای واگذاری زمین در رأس آنها نباشد، حداقل برادر آنهاست . . ." وی تأکید کرد: "کسانی که در مقابل هیئتها بودند، افرادی بودند که پول داشته‌اند، زیان داشته‌اند یا داشته‌اند، امکانات داشته‌اند، همه جا توانستند حرف خلاف و اقعشان را بزنند." وی با اشاره به برسمیت شناخته شدن هیئتهای ۷ نفری بعنوان نهاد انقلابی گفت: "آنها قهراً با تحرك و شور بیشتر کار خود را ادامه می‌دهند." و این تحرك و شور بیشتر در جهت اجرای نیاز حیاتی انقلاب خواست تمامی مردم انقلابی و روستا - ثیان زحمتکش کشور است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ شهریور ضمن اشاره به "ستمران اقتصادی"، "زالصفتان" و "غصب حقوق مستضعفین از بند" "ج" اصلاحات ارضی بعنوان عاملی که منافق‌اینان را بخاطر می‌اندازد یاد کردند. فواد کرمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در زمینه اصلاحات ارضی، با اشاره به "توزیع و تقسیم عادلانه زمین" گفت: "بسیاری رسیدن به خودکفایی کشاورزی ما ناچاریم، انگیزه‌هایی در نیروی کار ایجاد کنیم که نیروی کار را برای تولید به روستا برگردانیم و این نمیشود مگر با گذاشتن زمین و سرمایه در اختیار این نیروها" (۲۸ شهریور ۱۳۶۱). هم چنین در ۲۹ شهریور از سوی نخست وزیر بخشنامه‌ای در مورد حقوق "انحصاری" ستاد واگذاری زمین و هیئتهای ۷ نفره در مورد واگذاری ارضی بند الف و ب صادر کرد. در این بخشنامه "کلیه وزارتخانه‌ها، موسسات و سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی همکاریهایی لازم را در نظر کارشناس و تدارک امکانات یا هیئتهای مذکور بعمل آورند." در این بخشنامه آمده است: "تا تصویب قانون جدیدی به امور مربوط به کشت موقت توسط "بخشنامه" صادره از شورای عالی قضایی انجام می‌شود" و "کلیه ارگانهای مذکور موظفند تا تصویب قانون

جدید در انجام امور مربوطه همکاریهای لازم را با شورای کشت محصول دارند."

در مورد مسئله اصلاحات ارضی وزیر دادگستری نیز طی مصاحبه‌ای گفت: "مسئله اصلاحات ارضی اسلامی در انقلاب ما ضرورت کلی دارد. واگسر اجزای بند "ج" که قبلاً با نظر ۳ نفر از بزرگان همچون حضرت آیت‌اله منتظری و آیت‌اله مشکینی و شهید مظلوم آیت‌اله بهشتی تصویب شده بود عمل می‌شد، یقیناً خارج از احکام اسلام نبوده است . . ." وی تأکید کرد: "با توجه به اصول قانون اساسی و با توجه به فرمان امام در اجرای قوانین اسلامی و نظریه تأکید امام در مورد مستضعفین و اقشار محروم جامعه، باید در قسمت اصلاحات ارضی تلاش بشود و اقدامات لازم انجام گیرد و گرنه مانند زوایای دیگر که دیر جنبیدیم، دیر حرکت کردن در این قسمت نیز به زیان ما منتهی می‌شود . . ." (۱۲ مهر ۱۳۶۱)

عدالت اجتماعی، تجارت خارجی و . . .

در این زمینه بجزه نبرد پیروان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی با مخالفان آن در ماه گذشته شدت یافت. علاوه بر موضع‌گیری‌ها حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی که در بخش مربوط به نماز جمعه آمده است، آقای فواد کرمی رئیس کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس در زمینه عدالت اجتماعی چنین گفته است: "هدف انقلاب برقراری عدالت اجتماعی بوده و شکی نیست که جمهوری اسلامی باید برفع مستضعفین خصوصاً کشاورزان، برای تحقق عدالت اجتماعی نیرو و افزار خود را تقویت کند. نیروهای مستضعف همواره بازوی انقلاب بوده‌اند . . . اینها پایگاه انقلاب و تکیه گاه آن هستند . . . اگر عدالت اجتماعی برقرار نشود و این نیرو ضعیف بماند، تحت تأثیر صاحبان سرمایه و قدرت قرار می‌گیرد. صاحبان سرمایه و قدرت هم این نیروی پشتیبان انقلاب را در هم می‌شکنند، در نتیجه انقلاب از بین میرود. بنابراین هم بخاطر بقای انقلاب و هم اجرای عدالت اجتماعی باید نیروهای طرفدار انقلاب از نظر اقتصادی تجهیز و تامین بشوند تا نیروهای مخالف انقلاب بر او و بر انقلاب مسلط شوند . . ." (اطلاعات ۲۸ مهر ۱۳۶۱)

وی در مورد تجارت خارجی گفت: "بخشی از عوامل تورم، ناشی از تولید است و بعضی هم ناشی از عدم نظارت دولت در برنامه ارزی بازار است. شرکت بخش خصوصی به واردات کالا که ملی کردن بازرگانی خارجی می‌تواند نقش عمده‌ای در توزیع عادلانه کالا و مهار توزیع داشته باشد." (اطلاعات ۴ مهر ۱۳۶۱)

اصغری وزیر دادگستری نیز در این مورد گفت: "دولت وارد عمل می‌شود و قدرت را در دست می‌گیرد و کالاهارا با عدالت بین مردم توزیع می‌کند، تجارت دولتی به نفع مستضعفین و کشاورست، چون قدرت توزیع کالا را از دست انحصار طلبان خواهد گرفت . . ." باید دولت طبق قانون اساسی عمل کند و از سود جویی عواملی که میلیونها تومان در سال سود می‌برند جلوگیری کند . . ." (۶۱/۷/۱۴)

و سرانجام باید به سخنان رئیس کمیسیون بقیه در صفحه ۹

از اهداف ضد امپریالیستی و خلقی...

بقیه از صفحه ۲

در جنگ باعث خواهد شد، که مردمی که برای رسیدن به "کریلا" تجهیز شده اند، از "رژیم خمینی" رو برگردانند. و سوال می کند "رژیم خمینی پس از شکست حمله انقلابی به بغداد و کریلا، تا کی می تواند به حیات خود ادامه دهد؟" و نتیجه می گیرد، که چون برای هر دو رژیم مسئله "مرگ و زندگی" مطرح است، بنابراین "جائی برای صلح و سازش نیست"!

بعبارت دیگر، آقای شولتور، با روشنی آب زلال به امپریالیسم توصیه می کند، که چون شرایط برای ادامه جنگ کاملاً مساعد است، باید آنها در این جهت کوشا باشند، تا یک جنگ طولانی فرسایشی را به ایران (و عراق) تحمیل کنند.

وی از کشورهای سرمایه داری اروپای غربی میخواهد که به همراه کشورهای مرتجع منطقه به یاری عراق بشتابند و مانع از شکست رژیم صدام گردند، که نتیجه این کمک شکست انقلاب ایران است.

وی در عین حال برای رفع هرگونه نگرانی دول امپریالیستی از این که مبادا در اثر شکست جمهوری اسلامی ایران در جنگ، ایران بدست کمونیست ها بیفتد، اطمینان می دهد، که "به دعاوی محافل مهاجر ایرانی، که شاید می سازند، که ایران بطور نامرئی بسوی کمونیسم پیش می رود، نباید وقعی نهاد، زیرا "انقلاب اسلامی کلیه فعالیت های مارکسیستی را بشدت تحت نظر دارد. ولی توطئه شیطانی "تحمیل جنگ طولانی فرستای" به نظر او، نباید مانع از آن گردد، که امپریالیسم تا زمان شکست انقلاب ایران، متحمل خسارات بازرگانی و اقتصادی شود.

وی با محاصر اقتصادی ایران مخالف است و از خشونتی و رضایت شرکت های آلمانی ای صحبت می کند، که به فعالیت خود در ایران ادامه داده اند و اضافه می کند، که روش اتخاذ محاصره اقتصادی موجب ضرر مضاعف و در برگیرنده خطر بسیار بزرگی برای غرب است. ضرورتی و مالی آن این است که کشورهای امپریالیستی از سالی ده ها میلیارد دلار معامله با ایران محروم می گردند. خطر بزرگتر، به نظر وی، آن است که اگر آنها روابط اقتصادی خود را با ایران قطع کنند و ایران از کمک های مادی و همبستگی بین المللی جبهه عظیم جهانی ضد امپریالیستی برخوردار گردد، به چنان ثباتی دست خواهد یافت، که شکست آن غیر ممکن خواهد گشت.

بعبارت دیگر، نکته دوم نظر آقای شولتور آن است، که "دولت ایران برای روابط گسترده و عمیق اقتصادی با اروپای غربی تلاش می ورزد" و تاکید می کند، که باید کشورهای سرمایه داری اروپایی روابط اقتصادی خود را با ایران توسعه دهند. زیرا فقط از این طریق است که می توان از "تاسفی" که روزی اروپای غربی به آن دچار خواهد شد، مصون بمانند.

معنای این سخنان آن است که محدودیت روابط اقتصادی ایران با کشورهای سرمایه داری، که به علت محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا، عملاً به کشورهای اروپای غربی محدود می شود، تنها راه حفظ ایران در ذخیره کشورها و سیستم

جهانی سرمایه داری است. در غیر این صورت ایران برای توسعه اقتصادی اجباراً به کشورهای سوسیالیستی رو خواهد آورد و به استقلال اقتصادی دست خواهد یافت. و آنوقت از کشور ذخیره سرمایه داری جهانی خارج خواهد شد. امید این کشورها به نگهداشتن ایران در ذخیره سرمایه داری جهانی بویژه در چهارچوب تلاش دولت جمهوری اسلامی ایران برای احیا و نوسازی صنایع نفت است. امپریالیست ها امیدوار هستند از این طریق دوباره به ایران راه یابند و جای پای خود را محکم کنند. البته به قیمت و شروطی که آنها می خواهند، همانطور که پیشتر در مورد پتروشیمی بند رامام خمینی نشان داده اند.

اگر ما بجای "دولت ایران"، که به نظری آقای شولتور "برای روابط گسترده و عمیق اقتصاد با اروپای غربی تلاش می کند"، اسامی عناصری مانند بنی صدرهای افشاء شده و بنی صدرهای شناخته نشده امروزی را به گذاریم، متوجه می شویم، که "جریان راستگرای مخالف خط امام" یا شعار "ادامه سیاست (خرابکارانه) فعلی" دقیقاً مشغول اجرای همین نقشه امپریالیسم است!!

چه خوشگفت شهید بهشتی:

"... جمع بندی این که ما باید روی نفی سرمایه داری تکیه کنیم (به اس نفی درس دفت کند) و هیچ رحم ننکند که سرمایه داری نتواند در این جامعه بماند. همین گذارشی هم که هست، باید ریشه کن کنیم. واقعا اگر فردی، جمعی، گروهی، ذره ای در این مسئله تردید کند، خطرهای بزرگی متوجه این نعمت هایی که در بر تو انقلاب به دست آمده گردانند. ما در این باره نباید هیچ تردید بکنیم. هیچ درنگ نکنیم و هیچ وقت تلف نکنیم. ما با تمام توانمان جلوی سلطه سرمایه داری خارجی، داخلی وابسته، داخلی غیروابسته (فرقی نمی کند باید جلوی همه این ها را) بگیریم. برای این منظور کارهای زیادی باید انجام بدهیم.

با توجه به درس های تاریخ، که از جمله در صحبت حجت الاسلام کروبی تکرار شده است و با توجه به نظریات حزب توده ایران که بارها در اسناد حزبی بیان شده است و بالاخره با توجه به تحلیل فوق بد رستی این سوال مطرح می شود، که تا کی میا پزان صادق خط امام "ماردر آستین می پروارندند" و با تحمل حضور عناصر "جریان راستگرای مخالف خط امام" در دولت و دیگر ارگانهای جمهوری اسلامی ایران اهداف ضد امپریالیستی و خلقی خط امام را بسا خطر "ذبح شری" و تهی شدن از محتسوی واقعی آن دست به گریبان می کنند؟

آیا وقت آن نرسیده است، که یک "یک دستی" در ارگانها بر مبنای نظریات خط امام ایجاد شود و به التقات خط ها پایان داده شود؟ و از این طریق اقدامات انقلابی را با بینش روشن و قاطع به پیش ببریم؟

مردم پشتوانه خط امام هستند و از یک چنین "پاکسازی" ای قاطعانه دفاع خواهند کرد.

خط ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری و ضد دیکتاتوری و خلقی امام، که به حفظ قانون پایبند است، تنها خط درست انقلاب است.

در این تردید نباید داشت!

باید با تمام توان از این خط دفاع کرد!

رویدادهای ایران در ماه گذشته

بقیه از صفحه ۸

اقتصاد مجلس شورای اسلامی در باره تعاونیها که در سایه تلاش گسترده گروهی در گسترش بخش خصوصی، از نظر دور مانده است اشاره کنیم:

"همه مردم باید در تعاونیها شرکت کنند تا در انحصار عده ای سرمایه دار قرار نگیرد، ضمن مشارکت مردم دولت هم باید در تشکیل تعاونیها کمک کند و مطمئناً با حضور مردم در تعاونیها، تولید افزایش خواهد یافت."

راستگرایان مخالف خط امام فعالند

طیف گسترده نیروهای راستگرای مخالف خط امام در همه زمینه ها چه سیاسی و چه اقتصادی در ماه گذشته نیز همچنان فعال بودند. این فعالیت بخصوص در تصمیماتی که به سود بخش خصوصی و گسترش بی سابقه آن گرفته شد چشم خورد. شورای عالی اقتصاد فعالیت بخش خصوصی را در صنعت تصویب کرد و کار این بخش در کشاورزی را مورد حمایت و تشویق قرار داد. و گفته شد: "به تناسب رشد فعالیت بخش خصوصی و تعاونی در کشاورزی از فعالیت مستقیم دولت در تولید کاسته می شود." (۱۳۶۱/۶/۲۳) استاندار آذربایجان غربی هم ضمن اینکه "سرمایه گذاری بخش خصوصی در تولید و صنایع" را یکی از راههای "حصول به خود کفایی اقتصادی و رهایی از وابستگی اقتصادی" می خواند "از بازار آزاد متعهد" دعوت به کار کرد و اعلام نمود که به کسانی که علاقمند به فعالیتهای تولیدی در آذربایجان غربی هستند و سرمایه کافی ندارند تا ۷۰ درصد سرمایه لازم برای تشکیل یک واحد تولیدی وام پرداخت می شود. از سوی دیگر وزارت کار طی بخشنامه برقراری بیمه کارگری، حق مسلم و خدشه ناپذیر زحمتکش را منوط به رضایت کارفرمایان می کند و می گوید: "باید برای بیمه کارگران و کارکنان واحد ها ۰۰۰ ضرورت رضایت طرفین (کارگر و کارفرما) مورد تاکید قرار گیرد" و این در حالی بود که چندی بعد سازمان بیمه های اجتماعی طی اعلامیه ای این تصمیم را "اظهار نظرهای مختلف و غیر مسئولانه" خواند و مسائل بیمه کارگران و تامین اجتماعی را وظیفه این سازمان یافت. در همین مورد باید اضافه کرد "خط" سازش که در وزارت کار حاکم است کوشید با ارائه لایحه ای (که متأسفانه هیئت دولت هم آن را تصویب کرده بود) آنچنان که در مجلس گفته شد "زام و مبار همه شوراها را بدست کارفرمایان و بخش خصوصی و مدیران و کارمندان وزارت کار" بسپارد، خوشبختانه این لایحه علیرغم دفاع مفصل وزیر کار از آن با اکثریت آراء در مجلس رد شد. شوراهای کارگری نیز بدنبال رد لایحه شوراهای کارگری تقدیمی از سکو دولت و وزیر کار به مجلس، پشتیبانی خود را از رد این لایحه که بگفته چند تن از نمایندگان مجلس در بخشهای موافق و مخالف، شوراهایی "آبکی" را در نظر قرار می دهد خواستار تصویب طرح شوراها که در کمیسیون کار مجلس مورد بحث است شدند.

در مطبوعات مجاز ایران

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، پس از جلسه عالی دفاع اعلام کرد:

" آنهایکه عراق را وادار به جنگ کردند چه ارتجاع منطقه و چه امپریالیزم نمیخواهند صلح بشود دروغ میگویند آنها صلح را بعنوان یک حرفهسه تبلیغاتی مطرح کرده اند ..."

آقای حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود:
" آنها در خرفشان جدی نیستند، ولی ما همیشه جدی بوده و طالب صلحیم و با صداقت میگوئیم که صلح میخواهیم و حرکت ما یک حرکت دفا است."

اطلاعات ۲۲ مهر ۶۱

حجت الاسلام خویشینی ها نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی در یک صاحب مطبوعاتی و رادیو-تلویزیونی اظهار داشت:

" رژیم سعودی که خطر شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل حجاج ایرانی را احساس کرده بود ... حکام سعودی رفتار انسانی اسلامی حجاج ایرانی را که به حمایت از ملت های مسلمان و محروم جهان فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سر میداد را اهانت و دور از آداب اسلامی میدانند ولی پرواز آواکس های آمریکائی بر فراز خانه کعبه و تقدیم محصولات سوخت مسلمانان مستضعف و محروم عربستان به آمریکا و اسرائیل را مغایر با اصول اسلامی و نگران کننده نمیدانند..."
حجت الاسلام خویشینی ها افزود: " آنهایکه شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل حجاج ایرانی را خارج از آداب و ادب اسلامی قلمداد می کنند کسی چز حامی مستقیم آمریکا و اسرائیل در عربستان نمیتواند باشد که این خود حضور مستقیم آمریکا در این کشور است."

ایشان از مسلمانان جهان خواستند:
" تا قطع سلطه آمریکا و اسرائیل بر عربستان که موضوع در این کشور مشاهده میشود تلاش کنند."

ج ۱۰ مهر ۶۱

آیت الله العظمی منتظری در دیداری با آقایان رفیق دوست عضو شورای عالی فرماندهی سپاه پاسداران و داودی معاون نخست وزیر در امور نهاد های انقلاب ضمن ارج نهادن بر تلاشها و کوشش زد کردن نقش حساس انجمنهای اسلامی در محدوده فعالیتشان، در مورد لزوم تجدید نظر در مواردی که افراد ضعیف و یا غیر انقلابی در امور مهم دولتی و انقلابی گمارده شده اند تذکراتی دادند و در همین مورد یاد آور شدند:

" در شرایط فعلی که ضد انقلاب و دشمنان خارجی اسلام در صدد یافتن بهانه برای تضعیف انقلاب هستند، استخدام و گماشتن افرادی که توان انجام کارها را بصورت انقلابی و منطبق بر موازین شرعی ندارند برای پستهای مهم، خدمت ناخوب آگاه به دشمن است."

ج ۱۰ مهر ۶۱

رئیس جمهور خطاب به سفیر جدید کوبا:
هر کشوری که به آمریکا صدمه بزند دوست ماست.

آقای " لوئیس ماریس فی گوئر دو " سفیر جدید کوبا در جمهوری اسلامی ایران به حضور آقای سید علی خامنه ای رئیس جمهوری کشورمان رسید و استوارنامه خود را تقدیم ایشان کرد.

در این دیدار سفیر کوبا با اشاره به دشمن اصلی دو کشور یعنی امپریالیسم آمریکا گفت ملت های ما در دوران انقلاب خود رنجهای بسیاری کشیده اند و توطئه های بی شماری را علیه انقلاب خود دید فغانند و من با این دید مشترک احساس میکنم که اکنون در کشور خود قرار دارم.

آنگاه آقای خامنه ای ضمن بر شمردن دستاوردهای امپریالیستی و مردمی ما در رابطه با مبارزه با امپریالیسم آمریکا گفتند: " بارها گفته ایم هر کشوری علیه سیاست های آمریکا بنحوی فعالیت میکند و بیه آمریکا صدمه ای میزند دوست ما خواهد بود."

ج ۱۰ مهر ۶۱

در نبرد با آمریکا ما باید ابتکار عمل را در دست داشته باشیم

آقای خامنه ای در دیدار خود با سفیر جدید جمهوری دیمکراتیک الجزایر با اشاره به لزوم همکاری همه جانبه بین کشورهای مترقی منطقه در مقابل توطئه های امپریالیسم آمریکا اظهار داشت:

" ما اگر بخواهیم در مقابل این حرکات آمریکا موضع انفعالی به خود بگیریم یقیناً شکست خواهیم خورد ... ما بایستی بدانیم آمریکا چگونه عمل می کند و ما در مقابله با او چه باید بکنیم..."
آقای خامنه ای با اشاره به سیاستهای ارتجاعی دولتهای مرتجع و وابسته به آمریکا گفت:

" ما برای خنثی کردن سیاست های غلط آنها باید جبهه مترقی منطقه را تقویت کنیم."

در جلسه هفتگی شوراهای اسلامی رد لایحه شوراهای وزارت کار مورد بحث و بررسی قرار گرفت

جلسه هفتگی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات ناحیه جاده مخصوص کرج در کارخانه ارج برگزار گردید.

در این جلسه شوراهای اسلامی حاضر پشتیبانی خود را از رد لایحه تقدیمی وزارت کار به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

همچنین کانون هماهنگی شوراهای از مجلس شورای اسلامی خواست تا نسبت به طرح شوراهای اسلامی وقت بیشتری شود.

همچنین دومین جلسه کانون منطقه جنوب تهران (شهری) در مسجد فیروز آبادی تشکیل گردید.

جلسه ابتدا عملکرد وحشیانه و ضد انسانی ایادی آمریکا در فاجعه انفجار بمب گذاری در جنوب تهران که عامل بخاک و خون کشیدن دهها زن و مرد و کودک بی گناه گردید را محکوم نمودند.

جلسه از نمایندگان محترم مجلس شورای کمیسیونهای کار و شوراهای اسلامی مجلس شورای اسلامی خواستار تسریع در تصویب طرح شوراهای

وانجمنهای اسلامی و همچنین قانون کارگردیدند و یاد آور شدند که با توجه به فرمان امام خمینی مبنی بر لغو قوانین طاغوت و با توجه به این فرمان متأسفانه هنوز شاهد اخراج کارگران قهرمان، این بازوان پرتوان انقلاب میباشیم.

شنبه ۱۷ مهر ۱۳۶۱

محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفتگویی اظهار داشت:

" آمریکا اخیراً دست به توطئه تازه ای زد و زیر تنگ هرمز در داخل کشور عمان شروع به حفر یک کانال کرده است تا بجای تنگ هرمز از این کانال استفاده کند. اینها قبلاً میخواستند در موقعیکه ما وارد خاک عراق شدید، حمله ای کرده و حداقل جزایر ما را بگیرند و بعد با توجه به بسته شدن تنگ هرمز و قطع صد و رفت به اروپا و آمریکا در اثر این جنگ از اینکار صرف نظر کردند اما الان خودشان را آماده می کنند که در جنوب کشور ما دست به یک سری تحرکات بزنند."

اطلاعات ۲۲ مهر ۶۱

آقای موسوی نخست وزیر در مورد انتساب آقای غیوران بعنوان بازمن ویژه نخست وزیر در امر توزیع و اصناف و فروشگاهها و تعاونیها اظهار داشت:

" ما در زمینه توزیع دچار نابسامانیها زیاد هستیم. در حال حاضر بازار سیاه و سوء استفاده هایی از طرف بعضی از توزیع کنندگان وجود دارد ... دولت با سوء استفاده ها در امر توزیع شدت برخورد خواهد کرد."

ج ۱۰ مهر ۶۱

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

جشن ۴۱مین سال زندگی و نبرد حزب توده ایران

در جریان برگزاری جشن به مناسبت ۴۱مین سال زندگی و نبرد حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، در انگلستان، که در هفته گذشته با شرکت تعداد زیادی از هواداران حزب و دوستان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما در لندن برگزار شد، خانم مبارز ایرانی ای، که در ابتدا بجلت اعتقادات خود تعالیسی به شرکت در جشن نداشت، تحت تاثیر برنامه ها انقلابی جشن و روحیه مبارزه جوانه شرکت کنندگان در دفاع از انقلاب مردم میهن ما، به رهبری امام خمینی، طی نامه کوتاهی مبلغ ۱۰۰ پوند به حزب توده ای ما کمک مالی کرد.

ما با تشکر، نامه کوتاه ایشان را درج می کنیم: " دوستان عزیز! سالروز خیزتان را صمیمانه تبریک می گویم و به این مناسبت مبلغ صد پوند کمک مالی مرا بپذیرید."

دست رد به سینه "اسلام توکلی"

از احکام الهی نشئت گرفته و بخش دیگر مسائلی است که جای مشورت دارد.

به نظر "اسلامی" آقای وزیر کار، که بارها اعلام کرده است، کارگر "مال الجاره" کارفرما است. از اینرو در مورد "قسمت عمده" لایحه تقدیمی ایشان، که اصل مال الجاره بودن کارگر را از بسه قول ایشان، "احکام اجاره فقه اسلامی" کسب کرده است، نه فقط نظر و رای کارگران، بلکه نظر و رای من (۱) وزیر کار یا هر بشر دیگری (هم) دخیل نبوده و نیست. "مال الجاره" سرمایه دار شوند و یا اگر نخواهند باید پیه بیکاری، درماندگی، گرسنگی و رنج دائمی و احیاناً مرگ را بر تن خود و خانواده خود بمالند. جالب تر آن است که "بخش دیگر (لایحه) مسائلی است که جای مشورت (۱) دارد."

بعبارت دیگر، اگر لایحه تقدیمی آقای وزیر کار به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد، کارگران و شورا های اسلامی کارگران (بخوان "مال الجاره ها) در مورد "قسمت عمده" لایحه ایشان حق رای و نظر نداشتند. باقی می ماند قسمت غیر عمده آن. در آنجا آقای توکلی بزرگواری کرده و امکان "مشورتی" برای کارگران در نظر گرفته اند.

ما تصور نمی کنیم بتوان از این روشن تر و بارزتر خط "اسلام توکلی" ها را، که خط "جسریان راستگرا" است، ترسیم کرد.

این خط، خط پیمان شکنی و مسخ انقلاب است. این شیوه "ذبح شرعی" است! این خط، چه بخواید و چه نخواهد، چه آگاهانه عمل کند و چه نا آگاهانه، در خدمت اهداف عوی دشمنان و مخالفان داخلی و خارجی انقلاب به کار گرفته می شود، زیرا مطمئن و کارا ترین شیوه ناراضی تراشی است، آن هم در بین پشتیبانان واقعی انقلاب، یعنی زحمتکشان. تا به این وسیله ریشه های انقلاب متزلزل و ضربه پذیر شود.

ولی نمایندگان پایبند به خط امام در مجلس شورا اسلامی با رای خود نشان دادند، که بر سر خط امام بایداری می کنند و مرعوب تهدید مکتوم آقای توکلی نمی شوند، که گویا اگر کسی با این لایحه مخالفت کرد، با اسلام مخالفت کرده است. در اینجا مناسب به نظر می رسد که سخنان آقای نواد کریمی را تکرار کرده و آنرا تعمیم دهیم تا مسئله روشنتر شود.

ایشان، که رئیس کمیسیون اقتصادی و دارائی مجلس شورای اسلامی است، در دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی در مقابل با روحانی نمایان و همین "اسلام" توکلی ها است، که می گوید: "اما قانون اساسی مطابق موازین فقهی بوده و مجلس خبرگان از فقهای مثل آیت الله منتظری، آیت الله مشکینی و مرحوم شهید بهشتی، شهید مدنی تشکیل شده بود و لذا اگر کسی حرف دیگری دارد، با این فقها اختلاف فقهی دارد و نمی تواند نظر خودش را به عنوان نظر اسلام مطرح کند."

تاکنون تجربه نشان داده است، که آقای توکلی جز اتلاف وقت انقلاب، ناراضی کردن کارگران، مثلاً با لغو بیعه ها (روزنامه ج. اسلامی ۳۱ شهریور ۶۱) بقیه در صفحه ۵

پشتیبانی خود را از این اقدام مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

آقای توکلی، وزیر کار و امور اجتماعی، در گفتگویی با اعضای شورای مرکزی انجمن های اسلامی واحد های تولیدی و صنعتی تهران و حومه، گفت: این لایحه دارای دو بخش است: "یک بخش، که قسمت عمده آنرا تشکیل می دهد،

مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی ۱۳ مهرماه ۶۱ لایحه پیشنهادی از سوی آقای وزیر کار را در مورد شورا های واحد های تولیدی، علیرغم برجسب "اسلامی" آن، رد کرد. و طبیعی بود، که این تصمیم بجای مجلس مورد تأیید کارگران قرار خواهد گرفت.

بطوریکه روزنامه ج. اسلامی گزارش داد: "شورا های اسلامی کارخانجات ناحیه جاده مخصوص کرج،

آقای وزیر کار! از ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی دفاع نکنید

بقیه از صفحه ۱

است."

بعبارت دیگر، آقای وزیر مخالف "اخراج کارگران بر پایه ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی، مخالف است. و رد ری آنها، گرسنگی زن و بچه زحمتکشان، نیست، و وضع زندگی و خانواده کارگران اخراجی برای او بکلی بی تفاوت است. آنچه که او می خواهد، فقط بر طرف کردن "۰۰۰ آثار (منفی) سیاسی" این اخراج ها است و به ضایعات انسانی آن مطلقاً بی توجه است. و می خواهد کارگرانی را که زبان به اعتراض به این ظلم بسی پرده می کشیدند، با همین حربه خاموش سازد.

به نظر آقای توکلی، اگر کارگری به ماده ۳۳ اعتراض کند، "سیاست بازی" کرده است. آقای توکلی به بیان خود مانی و پوست کنده، که ایشان آنرا به گونه ای تحقیر آمیز "سیاست کاری و سیاست بازی" می نامد، مخالف سیاسی شدن کارگران است.

درست به همین منظور هم آقای وزیر در این گفتگو اظهار می دارد: "وظیفه انجمن های اسلامی ارشاد کارکنان واحد بوده به طریق اسلام و در این راه ابتدا می بایست انجمن های اسلامی افسران نفوذی و مخرب را که به خیال خود می خواهند انجمن ها و شوراها را به سیاست کاری و سیاست بازی بکشند از خود دور و تسویه نمایند."

اینجا این سوال مطرح می شود، که آن چه نوع "اسلامی" است، که وظیفه اش دور کردن کارگران از دفاع از منافع حقه خود و دور شدن از عرضه سیاست، یا بقول آقای توکلی از "سیاست کاری و سیاست بازی" است؟

به این ترتیب آقای وزیر به روشنی معتقد است، که هر کارگری که خواهان لغو ماده ۳۳ قانون کار طاغوت است، قانونی که به قول حجت الاسلام دری نجف آبادی "۰۰۰ به کارفرما حق (می) دهد که در هر شرایطی بتواند کارگر را اخراج نماید" این کارگر از "افراد نفوذی و مخرب" است و اعتراض او برای دفاع از منافع خود و خانواده اش، برای جلوگیری از گرسنگی و درماندگی زن و فرزندش نیست، بلکه می خواهد "سیاست کاری و سیاست بازی" بکند. و توصیه می کند که آنها را بسه

عنوان "افراد نفوذی و مخرب" از انجمن های اسلامی تسویه کنند.

چرا؟

پاسخ را از آقای حسین کمالی، نماینده خط امامی مجلس شورای اسلامی می شنویم:

"۰۰۰ کسانی را که از حاکمیت اقتصادی - اجتماعی اسلام دفاع می کنند، اخراج می کنند. ۰۰۰ کسانی را که مدافع آن (حکومت اسلامی) هستند از سطح کارخانجات اخراج و کارخانجات را از وجود عناصر انقلابی تهی (می) کنند."

اما اگر رنگ و روی ظاهری این سخنان آقای وزیر را با تیغ حقیقت جوئی بخراشیم، از زیر آن، این واقعیت هواید می گردد، که "خط راستگرا"، حتی در لباس "اسلامی" آن، فقط در مکه و مدینه از "سیاست کاری و سیاست بازی" نمی ترسد، فقط ملک های "مسلمان" عربستان سعودی نیستند، که می خواهند "مسائل شرعی و اسلامی" را سیاست زدائی کنند، و مراسم حج را از محتوای سیاسی آن تهی سازند، بلکه "جریان راستگرای مخالف خط امام" هم در مینهن ما همین هدف را دنبال می کند و می خواهد شوراها را از محتوای سیاسی و اجتماعی آن تهی سازد.

شوراها طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی "بمنظور تأمین قسط اسلامی (عدالت اجتماعی) و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور" تشکیل می شوند. یعنی شوراها ابزار حاکمیت خلق را تشکیل می دهند، که باید در تهیه برنامه ها و واحد های تولیدی، آموزشی، در دهکده، شهر، استان و غیره شرکت کنند. "خط راستگرای مخالف خط امام" با این هدف و با این اصل قانون اساسی مخالف است و همانند مارولک بدنیال راه ههای "شرعی" و غیر شرعی میگرد تا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را "ذبح شرعی" کند!

آیا مسلمانان مبارز پیروی خط امام، با وجود چنین نظریات و علیاتی، قادر خواهند شد به وظائف انقلابی خود عمل کنند؟

آیا خط امام و خط سیاسی ملک فهد و امثال آنها با هم قابل تلفیق است؟ در عربستان سعودی نبود! به نظر ما با کجدار و مریزیا ر انقلاب به سر منزل مقصود نخواهد رسید!



تزه‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت ۶۵مین سالگرد انقلاب اکتبر

سوسیالیستی فرستاده است. در این تزه‌ها از اتحاد، همکاری، همبستگی و همچنین از راه خلل ناپذیر آنها در دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم و تحکیم آنها: قدر دانی شده است. در این تزه‌ها لزوم اتحاد و همبستگی کمونیست‌های سراسر جهان مورد تأکید قرار گرفته است.

"زنده یاد انترناسیونالیسم پرلتری، سلاح آزموه و قدرتمند جنبش جهانی کارگری و توانمند تریباد اتحاد میان سوسیالیسم جهان، پرلترای بین‌المللی و جنبش آزادی بخش ملی" جزء شعارهای این تزه‌ها هستند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در تزه‌های خود بمناسبت شصت و پنجمین سالگرد انقلاب اکتبر مردم جهان را به مبارزه برای حفظ صلح، خلع سلاح و درهم شکستن فعالیت‌های تجاوزکارانه، امپریالیسم، میلیتاریسم فراخواند.

در این تزه‌ها گفته میشود که، لازم است به مسابقه تسلیحاتی لگام زده و با دفاع و تعویق روند تنش‌زدائی از خطر وقوع جنگ جلوگیری شود.

خلقه‌های اروپا فراخوانده میشوند که صمانه علیه استقرار سلاح‌های موشکی جدید آمریکائی در اروپای غربی بپاخیزند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سلاهای برادرانه‌ای نیز به خلق‌های دیگر کشورهای

ابتکار تازه صلح

رفیق لئونید برزنف رئیس دولت و دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ضیافتی که بمناسبت دیدار دوستانه یک هفته‌ای ایندیسرا کاندی نخست وزیر هند، در کرملین برپا شده بود از طرف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ابتکار جدیدی را برای حفظ صلح جهانی پیشنهاد نمود.

رفیق برزنف خواست که نهاد‌های رهبری کننده پیمان ناتو و ورشو در بیانیه‌ای آمادگی خود را برای جلوگیری از گسترش این دو پیمان نظامی در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اعلام نمایند.

جمهوری دمکراتیک افغانستان

رفیق ببرک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب این کشور در یک گرد همائی بزرگ در مزاری شریف واقع در ایالت شمالی پلخ اعلام نمود که: دولت و حزب دمکراتیک خلق افغانستان این وظیفه را در مقابل خود قرار داده‌اند، که سطح زندگی مردم را بالاتر برده، برنامه‌های صنعتی شدن کشور و اصلاحات ارضی و آبرسانی را هر چه سریعتر به انجام رسانند.

رفیق ببرک کارمل در این سخنرانی گفت: روند ساختمان جامعه نوین در افغانستان در شرایطی صورت میگیرد که اوضاع بین‌المللی بسیار بغرنج شده است. قدرتهای امپریالیستی به جنگ اعلام نشده خود علیه افغانستان ادامه میدهند و در این رابطه مزدورانی را به خدمت گرفتارند که صلح میشوند تا جو ترور را در افغانستان حاکم کنند. اما کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق و شورای انقلاب افغانستان تصمیم قاطع دارند که مبارزه را تا ناپودی کامل ضد انقلاب ادامه دهند.

امپریالیسم مقصر اصلی تشنج

نام برده و این سیاست را خطری برای کشورهای غیر متعهد ارزیابی میکند، ضمناً کشورهای غیر متعهد حمایت خود را از سازمان آزاد بیخوش فلسطین بعنوان تنها نماینده خلق فلسطین اعلام داشتند و خواستار ایجاد کشور فلسطین مستقل شدند.

در قطعنامه همچنین حمایت آمریکا از نژاد پرستان آفریقای جنوبی در سرکوب سازمان آزاد بیخوش جنوب غربی آفریقا - سوپود محکوم شده است. کشورهای غیر متعهد در قطعنامه خود کوششهای آمریکا برای بی‌ثبات نمودن اوضاع داخلی کشورهای نیکاراگوئه، گرانادا و کوبا را محکوم کردند.

کشورهای غیر متعهد طی قطعنامه‌ای در ارزیابی تصمیمات ۲۷مین جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد، تشدید و خامت اوضاع بین‌المللی را ناشی از سیاست امپریالیستی، نواستعماری، استعماری نژاد پرستی ارزیابی کردند.

در این قطعنامه همچنین مسابقه تسلیحاتی اتمی خطری برای صلح و امنیت جهانی ارزیابی شده است. قطعنامه تصمیمات اکثر کشورهای عضو سازمان ملل متحد برای خاتمه دادن به مسابقه تسلیحاتی مخصوصاً در محدوده سلاح‌های اتمی را مورد پشتیبانی قرار داده است. کشورهای غیر متعهد همچنین از حمایت نظامی و سیاسی آمریکا از اسرائیل بعنوان عامل اصلی سیاست تجاوزکارانه اسرائیل

یونان

پایاند رهو: پایگاه‌های نظامی آمریکا تاثیر منفی بر امنیت یونان دارند.

نخست وزیر یونان در دیداری که از کویت بعمل

آورد، اعلام داشت وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا اثرات منفی بر امنیت یونان میگذارند.

پایاند رهو اعلام داشت از پایگاه‌های نظامی آمریکا در یونان علیه هیچ کشور دوستی بخصوص کشورهای عربی استفاده نخواهد شد. او هم چنین خواستار تعیین مدت معینی برای برچیدن این پایگاه‌ها گردید. مذاکره بین یونان و آمریکا برای برچیدن پایگاه‌های نظامی در آخر اکتبر شروع خواهد شد.

انقلاب پرتغال زنده است

بقیه از صفحه ۳

خود را برای کودتائی آماده میکنند که منجر به برقراری نظم اجتماعی قدیم میشود. تعادل کلی نیروها و از جمله در نیروهای مسلح، بضرورتجا و بسود دمکراسی است.

مبارزات تودهای که از دستاورد های ۲۵ آوریل دفاع میکند نقش اساسی را در دفاع از منافع زحمتکش خلق و نهاد های دمکراتیک دارد.

این مبارزات مانع عمده بر سر راه هجوم ضد انقلاب بودند و هستند.

حزب کمونیست پرتغال، حزبی انقلابی که تقریباً ۲۰۰ هزار عضو دارد و بطور خدشه ناپذیر به اصول مارکسیسم - لنینیسم وفادار است، بدون شک نقش اصلی در نبرد هائی که تمام جبهه‌ها را در

بر میگیرد ایفا میکند. بر اثر فعالیت این حزب در مجمع جمهوری، در شورا‌های محلی، در موسسات آموزشی، در کارخانه‌ها، بنادرو میادان، در جنبش‌سندیکائی و در تمام محل‌های کار، نیروهای ارتجاع شکست‌های سختی را متحمل شدند و نتوانستند به بسیاری از هدف‌های خود دست یابند.

در لحظه کنونی وضع بسیار دشوار است. اما بهر حال، علیرغم خطراتی که با آن روبرو هستیم می توانیم اعلام کنیم که طی هشت سال گذشته هیچ خلق دیگری در اروپا مانند خلق پرتغال اینقدر عمیق متحول نشده است. در این هشت سال طبقه کارگر پرتغال پیوسته در حال نبرد پیشروی میکند و در مبارزات بیشماری در دفاع از دستاوردهای آوریل آبدیده میگردد. همانطور که آواروکونیاال دبیر کل حزب کمونیست پرتغال اعلام کرده است در پرتغال، مشکل بودن و وحدت و مبارزات تودهای درست‌ترین راه برای پیکار و نیرومند شدن سلاح طبقه کارگر و تود‌های زحمتکش میباشد.

RAHE TUDEH

No. 14

Friday, 28 Oct. 1982

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 20	P.
West-Germany	Belgium 10	Fr.
1 DM	Italy 350	L.
France 2	U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch. Sweden 2	Skr.

